

آیا لویه جرگه راه حل است؟



سهیل صالحی

لویه جرگه، شاید در بسا اوقات برای مردم افغانستان منحیث کلیدی برای حل مشکلات معرفی گردد، اما سوال این جاست که در کجا و چه زمانی لویه جرگه به راستی توانسته مشکلات مردم را حل نموده و ممثل اراده و خواست آنها باشد؟! این در حالی است که اساساً لویه جرگه بعد از 2001 به یک مکانیزم ننگ آفرین مبدل گردیده، مکانیزمی که تصامیم اتخاذ شده در آن به هیچ صورت نمی توانسته ممثل اراده مردم باشد.

چنانچه، لویه جرگه مشورتی در سال 2013 به منظور رایزنی در مورد موافقت نامه امنیتی میان افغانستان و امریکا برگزار گردید. اشتراک کنندگان لویه جرگه هر چند این موافقت نامه را تأیید کردند، ولی رئیس جمهور قبلی از امضای آن امتناع ورزید، که بعدها در زمان حکومت وحدت ملی به امضاء رسید. با امضای موافقت نامه امنیتی به نحوی به امریکایی ها اجازه داده شد تا به حضور بی پایان در افغانستان بدون وابستگی به قانون و مقررات دست یابند و به بهانه مبارزه با تروریسم با خون و استخوان مردم بازی کنند. امریکا و ناتو با حضور طولانی مدت در افغانستان به اهدافی از قبیل: دست یابی آسان به منابع این سرزمین، کنترل رقبای منطقوی از این طریق و بالاخره اهداف فرامنطقوی که در صورت حضور بی پایان در افغانستان می توانند بدان برسند.

در ضمن، می توان به لویه جرگه تصویب قانون اساسی که در سال 2003 دایر گردید نیز اشاره کرد. در آن لویه جرگه قانون اساسی بالای مردم مسلمان این سرزمین تحمیل گردید که خلاف تمام ارزش های اسلامی و عقیدتی مردم بود. قانون اساسی که

بر اصل دموکراسی استوار بوده و بصورت آشکار جدایی میان دین و سیاست در آن به چشم می خورد و این مسأله در تناقض با ارزش های اسلامی می باشد. و این گونه با استفاده از یک نهاد نامشروع بنام لویه جرگه، قانون خلاف شرع را توسطه نمایندگان نام نهادشان جنبه شرعی بخشیدند و آن را به عوض قوانین الهی اساس حکومت داری خویش قرار دادند. در قانون اساسی، بعضی از جنبه های به ظاهر اسلامی را برای فریب مردم جا گذاشتند تا مردم فکر کند، اسلامی است.

با تمام این ها، لویه جرگه ی که امروزه از آن در فضای سیاسی صحبت می شود به هیچ صورت جایگاه شرعی نداشته و با اسلام ارتباطی ندارد. صرف اسلام شورا و مشوره را در یک حاکمیت اسلامی جواز دانسته است.

با این حال می توان گفت که نتیجه این گونه لویه جرگه ها به هیچ صورت به نفع مسلمانان افغانستان نبوده و بیشتر از این که ممثل اراده وخواست آنها باشد، وسیله برای بدست آوردن اهداف بیگانگان می باشد. از جانب دیگر، اراده وخواست مردم در موجودیت اشغال گران که جز منافع شان چیز دیگری برای شان اهمیت ندارد هیچ معنای نمی تواند داشته باشد. از این رو، تلاش ها برای برگزاری چنین برنامه های نمادینی در حقیقت تلاش برای فریب اذهان عامه می باشد و نمی تواند بصورت اساسی و ریشه یی مشکلات افغانستان را حل کند.

سهیل صالحی